

تأملی بر کارکردهای چند ساحتی کاشی نگاره مجلس درویشان در تکیه معاون الملک کرمانشاهان

مقاله پژوهشی (صفحه ۶۷-۵۲)

دکتر مهدی محمدزاده^۱، لاله آهنی^۲

۱- استاد دانشکده هنرهای صناعی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز (نویسنده مسئول)

۲- دانشجوی دکتری هنرهای اسلامی، دانشکده هنرهای صناعی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز

DOI: 10.22077/NIA.2021.4446.1485

چکیده

در این پژوهش یکی از کاشی‌نگاره‌های تکیه معاون الملک کرمانشاهان با عنوان «مجلس درویشان» مربوط به قرن ۴۱ هـ.ق، مطالعه شده است. در این کاشی نگاره صحنه‌ای مربوط به دراویش و وسائل نمادینی از آنها و وسایل ورزش باستانی و ابزار حرفه کفش‌دوزی در فضایی شبیه به زورخانه تصویر شده است؛ ظاهراً عناصری نه چندان مرتبط به هم، در این نگاره گرد هم آمده‌اند. نگارندگان در این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوالات هستند که چه ارتباطی بین دراویش و ابزار و وسایل مربوط به حرفه کفش‌دوزی و فضای زورخانه است؟ و منظور از این نگاره چیست؟ هدف این پژوهش تفسیر معناشناسی عناصر نگاره، کشف رابطه آنها و کشف دلایل اجرای نگاره است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد که پیشه کفش‌دوزی یکی از اصناف مورد توجه فرقه عجم است؛ از آنجا که جوانمردی از قدیم با تصوف آمیخته بود و رفتار ورزشکاران باستانی مبتنی بر اصول آیین فتوت بوده است، به همین دلیل در این نگاره، مجلس درویشان در فضای زورخانه به تصویر در آمده که شباهت زیادی به تکایای متصوفه دارد و مربوط به تصوف است.

واژه‌های کلیدی: نقاشی روی کاشی، تصوف، مجلس درویشان، تکیه معاون الملک، دوره قاجار.

1- Email: m.mohammadzadeh@tabriziau.ac.ir

2- Email: l.ahani@tabriziau.ac.ir



مجلس درویشان، بدون رقم، بدون تاریخ، منسوب به نیمه اول قرن چهاردهم هـ.ق، اندازه: ۳۰۰*۲۶۰ سانتی‌متر، مکان: تکیه معاون‌الملک، کرمانشاهان، (سیف، ۱۳۷۶: ۳۶)

پیشینه پژوهش

با توجه به اینکه تکیه معاون‌الملک یکی از مهم‌ترین نمادهای فرهنگ اسلامی شهرستان کرمانشاه در دوره قاجار به شمار می‌آید، پژوهش‌های متنوعی در رابطه با آن انجام گرفته است. این بنا به لحاظ هنری و سبک ترکیبی به عنوان یک اثر منحصر به فرد مطرح است. تکیه معاون‌الملک گنجینه‌ای از اسطوره‌ها، حماسه‌ها، تاریخ و مذهب ایرانی است که در یک جا در قالب هنر نقاشی و کاشی‌کاری گرد آمده است. در این مقاله یک نگاره از این تکیه انتخاب شده و به دنبال کشف دلایل اجرای این نگاره در این بنای مذهبی هستیم. در ادامه به معرفی پژوهش‌هایی می‌پردازیم، که در رابطه با پژوهش حاضر هستند و در دو دسته ذکر شده‌اند و دسته اول پژوهش‌هایی هستند که از زاویه‌ای متفاوت به بررسی کاشی‌نگاره‌های تکیه معاون‌الملک پرداخته‌اند؛

- پنجه‌باشی و فرهد (۱۳۹۴) در مقاله «مطالعه نقوش مذهبی در کاشی‌های تکیه معاون‌الملک» به معرفی ویژگی‌های تصویری کاشی‌های تکیه معاون‌الملک پرداخته‌اند و حضور نقش‌های مذهبی به عنوان اصلی‌ترین مضمون نقش بسته در این کاشی‌ها را مورد مطالعه قرار می‌دهند.

- هدایتی راد (۱۳۹۵) در مقاله «مطالعه تحلیلی تصویر انسان در کاشیکاری تکیه معاون‌الملک کرمانشاه» به مطالعه تنوع تصویر انسان در این تکیه از نظر تکنیک و اجرا و سوژه‌های انسانی در کاشی‌نگاری‌های مذهبی، حماسی، ملی، سیاسی و اساطیری پرداخته است.

مقدمه

در اواخر دوره قاجار و با توسعه بناهای آئینی، کاشی‌کاری به نحو گسترده‌ای برای جلوه بخشیدن به سطوح بناهای ایرانی-اسلامی متداول می‌گردد. نوآوری در شیوه ساخت و تحول در مضامین از ویژگی‌های کاشی‌کاری در این دوره است. در موضوعات کاشی‌کاری این دوره تحولات جدی به وجود می‌آید. از جمله این موضوعات، کاربرد مضامین مذهبی، رزمی، بزمی، تاریخی، سیاسی و اجتماعی است. از شاخص‌ترین حضور کاشی در تزئین بناهای مذهبی دوره قاجار، می‌توان به تکیه معاون‌الملک در کرمانشاه اشاره کرد. این بنا مجموعه‌ای تصویری از نقش‌های متنوع و مضامین ملی، مذهبی و تاریخی است که بر روی کاشی‌ها به تصویر کشیده شده است. این کاشی‌ها به تکنیک هفت‌رنگ و به شیوه زیرلعابی نقاشی شده‌اند و دارای نقش‌های متنوع با مضامین ملی، مذهبی می‌باشد که همگی روایت‌گر تصویری از حوادث تاریخی، شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران است. در این پژوهش که ماهیت توصیفی، تحلیلی دارد، به مطالعه یک نگاره از کاشی‌کاری‌های تکیه معاون‌الملک پرداخته شده است. نگاره مورد نظر مربوط به صحنه‌ای از مجلس درویشان است. این نگاره از لحاظ صحنه‌ای که به تصویر کشیده شده، حائز اهمیت است. در اوپیشی که در آن دیده می‌شود به حالت نشسته و ایستاده هستند؛ وسایل و ابزاری که از لحاظ معنا و مفهوم آنها قابل مطالعه است. نگارندگان در این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوالات هستند که چه ارتباطی بین درویش و ابزار و وسایل مربوط به حرفه کفش‌دوزی و فضای زورخانه است؟ و منظور از این نگاره چیست؟ در این راستا در ابتدا تصاویر مختلف آن از لحاظ معناشناسی بررسی شده و در ادامه با کنار هم قرار دادن آنها کل نگاره مورد تفسیر واقع می‌شود؛ تا ارتباط این تصاویر با یکدیگر کشف شود.

روش تحقیق

روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است و یک نگاره از کاشی‌کاری‌های تکیه معاون‌الملک به روش توصیفی-تحلیلی بررسی شده است.

مبانی نظری

در این بخش ابتدا خود بنا و تاریخ ساخت آن شرح داده می‌شود، سپس تصوف در عصر قاجار و فتوت نامه‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در ادامه کاشی‌نگاره مورد نظر، معرفی و توصیف می‌شود؛ در راستای مطالعه نقشمایه‌های کاشی‌نگاره، لوازم ورزش باستانی و لوازم جنگ و اسباب آیینی درویش از لحاظ معناشناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تکیه‌معاون‌الملک

تکیه معاون‌الملک یکی از مهم‌ترین نمودهای فرهنگ اسلامی در دوره قاجار به شمار می‌آید. این بنا به لحاظ هنری و سبک ترکیبی به عنوان یک اثر منحصر به فرد مطرح است. تکیه با هدف کارکرد مذهبی بنا شده است. این بنا به نام تکمیل‌کننده آن «معاون‌الملک» خوانده می‌شود. این بنا شامل قسمت‌های مختلف از جمله سر در ورودی، حسینیه، زینبیه و عباسیه است. بنای اولیه این بنا شامل «حسینیه» در سال ۱۳۲۰ هـ.ق توسط حسین‌خان معین‌الرعا یا آغاز گردیده است؛ وی با به کار گرفتن استادکاران خبره، این تکیه را با گچ‌بری و آیینه‌کاری و کاشی‌کاری‌های زیبا به منظور برگزاری مراسم مذهبی، بنا کرده است. کاشی‌کاری‌ها و نقاشی‌ها دارای سبک ویژه ترکیبی است و موضوع‌های مذهبی، تاریخی و اسطوره‌ای در این مجموعه گرد آورده شده‌اند. مهم‌ترین موضوع در این نقوش، داستان‌های مذهبی و به ویژه حماسه کربلاست. تکیه معاون‌الملک گنجینه‌ای از اسطوره‌ها، حماسه‌ها، تاریخ و مذهب ایرانی است که در یک جا در قالب هنر نقاشی و کاشی‌کاری گرد آمده است و از این نظر، اثری منحصر به فرد است (شهبازی، شهبازی، ۱۳۸۶: ۴۸). نقاشی‌های تکیه معاون‌الملک، محل تلاقی عناصر مختلف است که به نوعی نمایانگر تحولات فرهنگی و هنری در دوره ساخت آن است. مضامین نقاشی‌های تکیه نه کاملاً ایرانی و نه کاملاً اروپایی است؛ بلکه پدیده‌ای تلفیقی است و حاوی ویژگی‌های منحصر به فرد است. در نقاشی‌های تکیه معاون‌الملک مضامین حماسی، سیاسی و مذهبی بیشتر از سایر نقوش به کار رفته است. رابطه تنگاتنگ این نقاشی‌ها با نقالی و تعزیه‌خوانی از یک طرف و داستان‌های حماسی و شاهنامه از طرف دیگر

- زارعی و حیدری باباکمال (۱۳۹۵) در مقاله «تأملی بر تنوع مضامین هنری و منشأ کاشی‌های قاجاری تکیه معاون‌الملک کرمانشاه» به شناسایی منشأ نقوش کاشی‌ها و علل شکل‌گیری آنها در کنار هم و پی بردن به مضامین متنوع محلی، بومی و فرا محلی آنها پرداخته‌اند.

- پرویزی (۱۳۸۴) در مقاله «نگاره‌های تکیه معاون‌الملک کرمانشاه» به بررسی کاشیکاری‌های تکیه معاون‌الملک پرداخته است و در این راستا کاشی‌کاری‌های بخش‌های مختلف بنا از لحاظ مضامین و ویژگی‌های فنی و کیفی مورد بررسی قرار گرفته است.

- نوروزی و دادور (۱۳۹۷) در مقاله «تطبیق زیبایی‌شناختی دیوارنگاری‌های مذهبی (واقعۀ کربلا) بقعه شاه زید و تکیه معاون‌الملک» به بررسی گچ‌نگاری‌های امام زاده زید در اصفهان و کاشی‌کاری‌های تکیه معاون‌الملک در کرمانشاه پرداخته‌اند که دو نمونه برجسته از دیوارنگاری‌های مذهبی دوره قاجار محسوب می‌شوند؛ هدف از این پژوهش تطبیق زیبایی‌شناختی نقاشی‌های مذهبی تکیه معاون‌الملک و بقعه شاه زید در تعامل با نمایش‌های مذهبی تعزیه است.

در گروه دوم از پژوهش‌هایی که به عنوان پیشینه معرفی می‌شوند، به بررسی تأثیرات دین و مذهب در هنرها پرداخته‌اند: - شهبازی شیران و حسینی‌نیا و حسینی صدر (۱۳۹۹) در مقاله «تأثیر اندیشه‌های فرقه حروفیه بر انتخاب برخی از مضامین کتیبه‌های مسجد کبود تبریز» به بررسی بسترهای مذهبی و مفاهیم اندیشه‌های فرقه حروفیه پرداخته‌اند و تأثیر تفکرات این فرقه را در مضامین کتیبه‌نگاری مسجد کبود مورد مطالعه قرار داده‌اند.

- مهدی‌زاده (۱۳۹۸) در مقاله «تبیین شاخصه‌های اصلی شکلی و محتوایی نگاره‌های شیعی بر اساس مبانی اعتقادی شیعه» به مطالعه شاخصه‌های اصلی شکلی و محتوایی نگاره‌های شیعی بر مبنای مبانی اعتقادی شیعه پرداخته‌اند. در این راستا، ابتدا برای ارائه تصویری روشن و دقیق از مذهب شیعه، اصول و مبانی اعتقادی و عناصر و مفاهیم تشکیل‌دهنده این مذهب بیان شده و سپس جنبه‌های اصلی و مهم نگاره‌های دارای مضمون شیعی، یعنی صورت و محتوا، روش بیانی و روایت از منظر مبانی اعتقادی شیعه بررسی و تحلیل شده است.

زمان آن چنان فضای جامعه آمیخته با شعائر و آموزه‌های دینی است که حتی پادشاهان نیز برای حفظ مشروعیت و وجهه خود میان مردم خود را ملزم به رعایت مسائل مذهبی می‌کردند. از سوی دیگر تمایل به عرفان در ناخودآگاه ایرانیان همواره وجود داشته است و شرایط آشفته اجتماعی دوره قاجار، احساس نیاز به یک پناهگاه را به طور جدی در مردم تشدید کرده بود، از طرفی شریعت‌مداری محضی که بازمانده اواخر صفوی بود، همه با هم باعث شد پس از یک دوره فترت، مردم توجه تامی به عارفان این دوره داشته باشند؛ بازگشت عرفان نعمت‌اللهی به ایران، مقارن با اواخر حکومت زند اوایل قاجار است (ایرج‌پور، ۱۳۹۰: ۳۱). از عوامل مهم گسترش تصوف در این دوره، توجه طبقه حاکم به تصوف می‌باشد. در واقع حمایت‌های حاکمان از صوفیان و گسترش جایگاه تصوف در جامعه، ناشی از اهداف سیاسی و عقیدتی است، زیرا صوفیان جایگاه خاصی در بین مردم داشتند؛ از دلایل تمایل مردم به تصوف می‌توان به سازگاری روحیه مردم با تصوف اشاره کرد. از این رو طبقه حاکم از صوفیان غافل نبوده است؛ بنابراین برای همراه کردن توده‌ها با سیاست‌های خود، حمایت از صوفیان ضرورت می‌یافت. علاوه بر این، مسئله مشروعیت اسلامی حاکمان، لزوم توجه به گسترش تصوف را دو چندان می‌کرد (لمبتن، ۱۳۹۲: ۳۴۶).

آیین عیاری و فتوت‌نامه‌ها

بنیاد فتوت‌نامه‌های اصناف ایرانی ریشه در خیزش عیاران و به ویژه پس از اسلام در ایران دارد. یکی از جنبه‌های بسیار جالب تاریخ اجتماعی ایران از رواج آیین جوانمردی یا فتوت و تشکیل جمعیت‌های جوانمردان یا فتیان است. آیین جوانمردی و فتوت، دوشادوش تصوف قرن‌ها در ایران رواج کامل داشته است و در میان عوام موثرترین وسیله بقای روح ملی ایران و قیام در برابر بیگانگان و ستمگران بوده است (فرهادی، ۱۳۹۰: ۵). از سویی روابط نزدیکی بین اهل تصوف و اهل فتوت وجود داشته است و از سوی دیگر اهل فتوت، کشاورزان و پیشه‌وران روستایی و شهری بوده‌اند که غالباً با نام‌های صنف، «صاحب حرف» و ارباب صنعت نامیده می‌شده‌اند. بنابر منابع موجود آیین فتوت به تدریج از مقاصد سیاسی و عیاری به سمت

باعث شده مردم عادی، آرزوی زندگی با قهرمانان اسطوره‌ای، ملی و مذهبی را داشته باشند. تکیه معاون الملک نمونه بارز و منحصر به فردی از وحدت هنر و مذهب دوره قاجار در شهر کرمانشاه است. در نقوش کاشی‌های این بنا، مضامین متنوع مذهبی دیده می‌شود (زارعی، حیدری بابا کمال، ۱۳۹۵: ۵۴). کاشی‌های بنای معاون الملک از نظر فنون کاشی‌سازی با تکنیک کاشی هفت رنگ برجسته اجرا شده‌اند. در این دوره، از رنگ صورتی برای صورت‌سازی و پیکره‌سازی در طراحی کاشی‌های هفت رنگ استفاده شده است. علاوه بر رنگ صورتی، رنگهایی مثل قرمز، زرد، نارنجی روشن و سفید در این دوره رایج می‌شوند. قبل از این دوره رنگهای لاجوردی، فیروزه‌ای و سبز، رنگهای غالب در کاشی‌کاری ایرانی بودند (همان: ۵۵).

صوفی‌گری یا تصوف در دوره قاجار

در تاریخ اجتماعی و سیاسی و فرهنگی ایران، دوره قاجار ویژگی‌های خاصی دارد که آن را از دیگر ادوار متمایز می‌کند؛ عصر قاجار به عنوان عصر تغییرات مهم و اساسی در جامعه ایران شناخته می‌شود. شاید بتوان گفت تأثیرگذارترین عامل آن تحولات سیاسی جهانی، تفکرات شاهان، تکنولوژی، نظرات غربی‌ها، مسافران و مأمورینی باشد که در قرن ۱۹ میلادی به ایران آمدند. از سوی دیگر مشروعیت بخشیدن به پادشاهان از دیگر عوامل زمینه‌ساز ظهور هنرهایی با مضامین دینی بود. تحولات تاریخی دوره قاجار از لحاظ فرهنگی، اجتماعی، سیاسی واکنش‌های متفاوتی را موجب گردید که هنر و صنایع مختلف نیز از این امر مستثنی نبوده است. جامعه ایران در دوره قاجار، مشخصاً یک جامعه دینی بود و تمایلات ملی و مذهبی شدید بر روح و فکر اکثریت قریب به اتفاق این جامعه حکمفرمایی داشت. افراد این جامعه سخت پایبند آداب و سنن و رسوم ملی و شعائر مذهبی خود بود. «روضه‌خوانی، شبیه‌خوانی، تعزیه‌گردانی و تظاهرات دسته‌جمعی حزن‌انگیز مردم در ایام محرم و بعضی روزهای عزای عمومی، بخشی از مراسم مذهبی هستند که در دوره قاجار رواج داشته است» (شمیم، ۱۳۷۹: ۳۷۳). از این رو جامعه ایران دوره قاجار را می‌توان یک جامعه مذهبی به شمار آورد. در این

- برهنه شدن هنگام ورزش، این برهنگی در زورخانه لازم الاجراست، زیرا عیاران در هنگام نبرد برای ابراز نهایت از خودگذشتگی، خود را عریان می‌ساختند و فقط لنگی به کمر می‌بستند.

- شلنگ اندازی؛ و آن دویدن در زورخانه است که عیاران برای آمادگی در جنگ به آن مبادرت می‌نمودند.

- انجام حرکات ورزشی با بعضی آلات و ادوات؛ این ورزش ایرانی به طور کلی برای آموختن آداب جنگ بوده است. بدین ترتیب که میل گرفتن برای حرکت دست و قوت بازو است تا بتوانند گرز و شمشیر را به کار گیرند، سنگ برای سپرداری، کباده برای کمان‌کشی و چرخ زدن و کار پا برای چالاکی و حرکات دوری در میدان جنگ است تا مانع از سرگیجه شود(گوشه، ۱۳۲۵: ۴۷).

جوانمردی از قدیم با تصوف آمیخته شده بود، در ضمن آداب معاملات صوفیان از ادب جوانمردی و فتوت نیز بحث می‌شد. بعد از مغول شاخه‌ای از تصوف به صورت و با ساز و برگ «فتوت» در میان توده مردم خودنمایی کرد. باز هم تشکیلات جوانان ایرانی از ترک و فارس در محلات و شهرها به وجود آمد، حزبی به نام «فتوت» با رئیس و مبلغ و واسطه و کسوت مخصوص و آداب خاصی پیدا شد و باز جوانان دور هم جمع شدند. پاتوق و توق و اسلحه خاص و ورزشخانه و سردم موجود گردید. هر محله‌ای ورزشخانه و توق (توق علم بلندی بوده است که نوک آن نیزه داشته و یا فلزی براق و فنر مانند بر سر آن نصب بوده است) و علم و سردم و پاتوق دایر گردید. ایام عید را برای اجتماع و برداشتن علم انتخاب کرده بودند. در هر محلی یک «سردم» دار یا یک «پیش کسوت» وجود داشت (کسی که زودتر از دیگران در آن محل لباس فتوت را از دست رییس گرفته و پوشیده است)؛ سردم دار معمولاً خود، رییس محل بود. یک حق و حساب دان یعنی کسی که در موقع اختلاف میان اهل محل مصلح واقع شود و این شخص گاهی خود سردم‌دار یا پاتوق‌دار یا پیش کسوت بوده است و گاهی هم شخص دیگری را به این سمت انتخاب می‌کردند و به او «لودی» یا لوتی که به زبان پنجابی به معنی رییس بوده است می‌گفتند. این لوتی حق و حساب‌دان در ورزشخانه و در سردم‌ها و در روزهای بازی و حرکت «دسته» و حرکت

مقاصد و اهداف صنفی پیش رفته است (فرهادی، ۱۳۹۰: ۷). پس از انقراض خلافت عباسی و به طور خلاصه بعد از قرن هفتم هجری، آیین فتوت راهی دیگر برای خود بر می‌گزیند، فتوت تصوفی است عوامانه که راه و رسم‌های آن ساده و عملی و در خور فهم پیشه‌وران و صنعت‌گران و کشاورزان و خلاصه عامه مردم است. از این رو کاشفی «علم فتوت» را شعبه‌ای از علم «تصوف» خوانده است(محبوب، ۱۳۵۰: ۷۲). یکی از وجوه بسیار مهم تاریخ اجتماعی ایران، رواج آیین جوانمردی و تشکل جمعیت‌های فتيان است. این آیین یادگار دوره‌ای است که امتیازات طبقاتی بر ایرانیان گران می‌آمد. از آغاز رواج تصوف در ایران که آن نیز پرخاشی در برابر مسائل اجتماعی بود، بزرگان متصوفه ایران همواره تصوف را برای خواص و جوانمردی را برای عموم می‌دانستند و هر دو را با هم ترویج می‌کردند. در واقع فتوت که بعدها نوعی تصوف عامیانه شد، به تصوف اختصاص نداشت و برای اغلب جوانان کمال مطلوب شمرده می‌شد. چون فتوت خوی پهلوانان ایرانی بود، پس از رواج تصوف اسلامی در ایران، ورزش باستانی به تصوف آمیخته شد، به طوری که تنی چند از پهلوانان از صوفیان بنام گردیدند(علاقه، ۱۳۷۷: ۲۹۸). در این راستا در خوانش بخشی از نمادهای موجود در این نگاره به فتوت نامه سلطانی مراجعه شده است. این فتوت نامه تألیف ملاحسین واعظ کاشفی سبزواری است. از علمای دینی و عارف به عرفان و نجوم بوده است. در زمان حسین بایقرا در هرات و نیشابور به وعظ اشتغال داشت. لقب واعظ برای او در همین راستاست. وی از بزرگانی است که در قرن نهم مشهور بود و صاحب تألیفات بسیاری است که اغلب آنها در زمره امور دینی و عرفانی است. تفسیر قرآنی که از وی به جا مانده است، یکی از تفسیرهای مهم و ارزشمند به شمار می‌رود. وی در ۹۰۶ یا به قولی در ۹۱۰ هـ ق در گذشته است. این نخستین فتوت‌نامه‌ای است که فتوت را علم نامیده است و معتقد است که موضوع علم فتوت، نفس انسان است از آن جهت که به صفتهای نیکو آراسته گردد و از صفات ناپسند دوری کند. این اثر به باب‌ها و فصل‌های متعدد تقسیم شده است(همان: ۳۱۴).

اصولی که ورزش باستانی از آن مایه گرفته، پاره‌ای از آداب عیاران است که به آن اشارتی می‌رود:

شروع کنند تا نوبت به بزرگتران برسد و آخر از همه میاندار می‌چرخد و بازی می‌کند. حزب فتوت کار و کسب‌هایی را معین کرده بود که جوانان و اهل فتوت مستحب بود که به آن پیشه‌ها و حرفه‌ها مشغول باشند. سقایی و شاطر نانوايي و گوشت فروشی نه سلاخی، و آهنگری و رنگ‌رزی و نقلی و سخن‌وری و معرکه‌گیری از جمله کسب‌هایی است که حزب عیب نمی‌شمارد و منافای فتوت نیست. ورزش ایرانی آداب جنگ را می‌آموخته است. میل برای حرکت دست و قوت بازو است که گرز و شمشیر را بتواند به کار ببرد. سنگ برای سپرداری است و گبرگه برای کمان کشی است و چرخ زدن و کارپا برای چالاکي و حرکات دوری میدان جنگ است که سر هیچ جنگجو گیج نخورد (کربن، ۱۳۸۲: ۱۱۸). ورزش باستانی قبل از اسلام به هر صورتی که بوده است، بعد از اسلام و به محض رواج تصوف اسلامی در ایران به تصوف آمیخته شده و اینکه بعضی عقیده دارند آداب و مراسم تصوف از زمان صفویه وارد زورخانه شده اشتباه به نظر می‌رسد، زیرا اولاً جوانمردی که خوی جبلی پهلوانان و زورمندان ایرانیست طریقه فتوت را که شعبه از شعب پنجگانه تصوف است مدت‌ها قبل از صفویه قبول کرده و بین خود رواج داده‌اند زیرا بطبع مستعد پذیرفتن چنین اصولی بوده‌اند. ثانیاً گذشته از اینکه بنای زورخانه‌ها شباهت زیادی به تکایا و خوانق متصوفه دارد اصطلاحات زورخانه و مراسم آن از قبیل شماره کردن حرکات ورزشی با آداب مخصوص یک نوع ذکر به شمار می‌رود و همچنین نام مرشد (کسی که نغمه‌سرائی می‌کند و ضرب می‌نوازد) و عنوان سردم چیزی نیست که در زمان صفویه اختراع شده باشد. ثالثاً آداب و رفتار اهل ورزش از قبیل طهارت، حلم و مدارا، ترک لذت و رخصت خواستن برای انجام هر کار و خیلی از آداب دیگر همان قواعد و آداب مسلکی اهل تصوف است. بی‌تردید مظاهر و مراسم تشیع در زمان سلاطین صفویه در زورخانه‌ها رواج یافته و مسلماً قبل از آن عصر که اکثر زمامداران و سلاطین ایران و اهالی آن بر طریقه تسنن می‌رفتند چنین مراسمی نمی‌توانست در زورخانه‌ها وجود داشت باشد. و پس از تعمیم تشیع در ایران چون متصوفه شیعی حضرت علی (ع) را پیشوای فقیان عالم می‌دانند، از آن زمان ورزش در زورخانه‌ها با نام مبارک علی شروع و به همین نام ختم می‌گردد (کربن،

دادن «توق» بایستی مواظب جوانان دسته خود و روابط آنها با دسته محل دیگر باشد (کربن، ۱۳۸۲: ۱۱۶). از جمله ورزش‌هایی که تحت نظر استادان فنون جنگی و پهلوانی به عمل می‌آمد، ورزش‌های جنگی و باستانی بود که ضمن آن با تمرین به وسیله آلات بدلی یعنی میل به جای گرز و تخته سنگ به جای سپر و کباده به جای کمان به تربیت بدنی و ریاضت‌های جنگی پرداختند. رفتار ورزشکاران باستانی در زورخانه انتظار می‌رود مبتنی بر اصول آیین فتوت و از روی گذشت، فروتنی، پرهیزگاری، عدالت، صفا و ادب باشد. بنا به قول مشهور زورخانه جای پاکان و نیاکان و جوانمردان است (انصافیور، ۱۳۵۳: ۱۱۵). در ورزش‌خانه باید کسوت همه روزه مراقب آداب ورزش و مناسبات دوستانه بین ورزشکاران و پهلوانان و نوجه‌ها بوده باشد و اگر از محل دیگری برای تماشا آمده باشند، از آنها پذیرایی نماید و نگهدارند بین آنها و اهل محل دعوی شود. یک «کهنه‌سوار» هم باید در ورزش‌خانه باشد. این کهنه‌سوار از کسانی است که روزی جوانی جنگجو بوده و امروز یا علیل شده و یا از کار افتاده و فقیر شده است. کهنه‌سوار مواظب «ضرب» و سایر آداب نسبت به وارد و صادر بود که او را «مرشد» نیز می‌نامیدند و با آهنگ ضرب و آواز ورزش آغاز می‌شد و حرکات منظم می‌گشت. در داخل گود زورخانه «یعنی ورزش‌خانه» یک «میاندار» باید باشد که در میانه ایستاده سایر نوجه‌ها و رفقا دور او حلقه زده و به تقلید او پا بزنند و اعمال ورزش را به جای آورند. میاندار باید پهلوان اول باشد و دارای اخلاق جوانمردی بوده لکه‌ای به کسوت فتوت وارد نیاورده باشد، گاهی لوتی و حق و حسابدان و پیش کسوت و پهلوان هم یک نفر بود. با این مقدمات و سازمان مرتب و متین و طبیعی بود که اخلاق جوانان هر روز تحت نظارت قرار می‌گرفت. جوان نامرد و ترسو و بی‌غیرت و با علیل المزاج و یا جوان فاسق که چشم و دست و زبانش پاک نباشد حق ندارد داخل زورخانه شود. وارد گود که می‌شوند باید خاک را ببوسند؛ یعنی دست به زمین زده و دست را به لب برسانند و نسبت به خاک عشق برسانند و خاکسار شوند. در گود حرف رکیک نباید زده شود. دعوی و قال و قیل نباید راه بیفتد. همه باید با هم برادر باشند. اول کوچک‌ها و تازه چرخان باید بچرخند و بازی‌های ورزش را

کباده به تصویر کشیده شده است. در کنار این اشیاء، وسایلی مربوط به جنگ و جنگاوری نیز مانند سپر و تیردان و خنجر و شمشیر تصویر شده است. بسیار جالب توجه است که در این میان وسایلی مربوط به حرفه چرم (کفش دوزی) نیز در گوشه سمت چپ بالا دیده می‌شود. یکی از مواردی که مورد توجه قرار گرفته است، تعدد پوستین‌هایی است که در نگاره مذکور به صورت نصب شده به دیوار تصویرگری شده است. علاوه بر این موارد ذکر شده وسایل دیگری نیز در این نگاره دیده می‌شود از جمله تسبیح‌ها و زنجیرها و زنگ‌های متعددی که به دیوار آویخته شده است؛ و یا شمعدان‌ها و جام‌هایی که به تصویر کشیده شده‌اند. نکته دیگری که در این نگاره جلب توجه می‌کند این است که همه این عناصر در فضایی شبیه زورخانه به تصویر درآمده‌اند؛ فضایی گنبد مانند که غرفه‌هایی جهت نشستن در آن تعبیه شده است که از کف زمین مرتفع هستند.

عناصر به کار رفته در این کاشی نگاره در ۳ دسته قابل تقسیم‌بندی هستند:

- ۱- لوازم ورزش باستانی:
پوست تخت، میل، کباده، تنکه پهلوانی، زنگ و زنجیر.
- ۲- لوازم جنگ:
تبر، سپر، شمشیر، کمان، تیردان، خنجر، پتک، غلاف شمشیر، گرز.
- ۳- لوازم درویشی:
طاقیه، کشکول، تبرزین، چننه، پوستین.

معناشناسی لوازم ورزش باستانی

پوست تخت: دو نوع پوست در زورخانه به کار می‌رفت. یکی پوست پلنگ که از مظهرهای پهلوانی بود که گاه تنها و گاه با زره و شمشیر و سپر به دیوار زورخانه می‌زدند. یکی هم پوست کسوت بود که از پوست گوسفند و یا بز میراث درویشان که در غرفه‌ها به دیوار نصب می‌کردند (انصافیور، ۱۳۵۳: ۱۴۳).

میل: میل ابزار ورزشی است از چوب استوانه‌ای شکل مایل به مخروطی با دسته‌ای که هنگام ورزش به دست می‌گیرند. بدنه آن جسیم است از ده کیلو تا سی کیلو وزن دارد. چون

اصول دیگری که ورزش باستانی از آن مایه گرفته است بعضی آداب عیاران است که ظاهراً این طبقه نیز از مبانی فتوت پیروی می‌کرده و باقتضای خوی جنگجویی و پهلوانی اهل کشتی و ورزش بوده‌اند. یکی از آن مراسم برهنه شدن در موقع جنگ به نفع هر کس که بوده برای ابراز نهایت از خود گذشتگی با بدن عریان به میدان می‌رفتند و فقط لنگی بر کمر خود می‌بستند و هنوز بعد از هزار سال برهنگی یکی از مراسم حتمی الاجرای زورخانه‌هاست و ورزش کردن با لباس در زورخانه نوعی بی‌احترامی به شمار می‌رود (گوشه، ۱۳۲۵: ۴۷). رسم دیگری که دویست سال قبل بین پهلوانان زورخانه رواج داشته بستن پیش بندی از چرم به نام (نطعی) بوده که پهلوانان بزرگ اجازه استعمال آن را داشته‌اند و این رسم مأخوذ از طبقه شطاران است که در موقع جنگ فقط پیش‌بندی از چرم در جلوی خویش می‌آویختند. آیین مخصوص ورود به این دسته‌ها عبارت بود از بستن یک پیش‌بند (نوطه یا محزم) به کمر داوطلب و دادن لباس مخصوصی به نام «لباس الفتوه» که قسمت عمده‌اش از یک سراویل یعنی شلوار تشکیل می‌شد. این خود می‌رساند که پایه و منشأ فتیان اجتماعی از ایران است. زیرا که شلوار مختص آن دسته از اقوام آسیایی است که سوارکاری از آداب و سنن آنان به شمار می‌رفته است؛ و شلوار در ایران اقل از زمان آغاز فرمانروایی هخامنشیان متداول بوده است (کربن، ۱۳۸۲: ۱۴۴).

معرفی و توصیف کاشی نگاره

در این پژوهش کاشی نگاره مجلس درویشان متعلق به تکیه معاون‌الملک کرمانشاه مورد بررسی قرار گرفته است. این کاشی نگاره به تکنیک نقاشی روی کاشی در ابعاد ۲۶۰*۳۰۰ سانتی‌متر به اجرا درآمده است. این نگاره متعلق به نیمه اول قرن چهاردهم هجری است. در این کاشی نگاره در راستای نام آن چهار درویش در حالت‌های مختلف نشسته و ایستاده به تصویر کشیده شده‌اند؛ اسباب آئینی در اویش نیز اعم از کشکول، طاقیه، پوستین تبرزین نصب شده به دیوار یا در دستان در اویش قرار گرفته است. در گوشه بالایی سمت راست نگاره، دسته‌ای از اشیاء ورزش باستانی همچون میل و

مبلغی طلا و یا نقره نیز برای آن جایزه می‌نهادند تا هر پهلوانی از عهده کشیدن آن برآمد پولی که به جایزه گذاشته می‌شد، تصاحب کند. این کبابه‌ها که امروزه هم در زورخانه‌ها آنرا به کار می‌برند، قرن‌هاست که تقریباً همین شکل را دارد. بدنه‌ای کمانی یا مقوس دارد که آهنین و سنگین است و در مقابل برای حفظ تعادل زهی زنجیری و بلند به دو سر آن آویخته که در هر قلاب آن حلقه‌هایی آهنین تعبیه شده هم کمانه و هم کبابه هر دو جادست (قبضه) دارد (همان: ۲۳۵).

تنکه پهلوانی: سابقه تنکه پهلوانی و لنگ بستن در تاریخ کشور ما بسیار دور است. در بعضی آثار بعد از اسلام اشارتی به پهلوانان نطعی پوش یا شلوار چرمی پوش شده که مقصود همانا از افرادی بوده که حق بستن نطع چرمی داشته‌اند. تنکه یا تنبان پهلوانی پوشیدن در تمام قرون بعد از اسلام در سراسر ایران میان جوامردان و اهل فتوت مرسوم و معمول بوده و این عمل مانند دوره ایران باستان طی به جا آوردن آدابی انجام می‌گرفت (همان: ۱۴۷).

زنگ و زنجیر: اصطلاحی برای برآزندگی و پهلوانی و کمال ورزشی بود. چون هر جا زنگی می‌آویختند به زنجیری وصل بوده آنرا زنگ و زنجیر می‌گفتند. یکی از ابزار ورزش‌های زورخانه و کاسه‌ای است برنجی که بالای سردم وارونه به زنجیری آویخته شده و در میان آن نیز گلوله‌ای آهنی تعبیه شده که مرشد موقع لزوم اراده کند آن را به صدا در می‌آورد (همان: ۱۶۱).

ورزش زورخانه‌ای از ریاضت‌های اهل فتوت بود و اینان ورزش را آن هم با آلتی شبیه گرز جز برای ورزیده ساختن خود به منظور مبارزه و جنگ با ستمکاری و ستیزه با غیر ایرانیان انجام نمی‌دادند و باز چون که در ایران باستان آذربانان و موبدان نیز گرز در دست می‌گرفتند که متضمن معنی مستعار نبرد با قوای اهریمن بود. بنابراین ورزش با میل در زورخانه با آن شعائر جوانمردی نمی‌تواند با چنان گذشته‌ای و آیین‌ها و هدف‌های معنوی بی ارتباط باشد. این ابزار و ورزش که در بدو پیدایش احتمالاً شبیه گرز و از چوب و آهن ساخته شده بود و در ورزش برای پرورش بدن به منظور مهارت در گرزکوبی به کار می‌رفته امروزه از چوب‌های سخت نارون و گردو و ... ساخته می‌شود (انصافپور، ۱۳۵۳: ۲۲۰).

کبابه: کبابه از کمان جنگی و احتمالاً از آن کمان آمادگی که در کتاب مینو خرد پهلوی برای جنگ با اهریمن یاد شده اصل و نسب دارد. در فرهنگ لغت دهخدا از نوعی کمان مشقی سخن رفته است: «که در مشق تیراندازی به کار آید خواه چله آن از زنیر باشد که در ورزش کشتی گیران به کار آید و کمان پولاد نیز همین است». در برهان قاطع آمده کبابه آلتی است آهنین که حلقه‌هایی مانند زنگ دارد و در زورخانه با آن ورزش می‌کنند. کبابه‌های اولیه احتمالاً چیزی شبیه آن کمان‌های تمرینی بوده که گاه در تواریخ می‌خوانیم انواعی از آنها را که سنگین‌ترین و سخت‌کش‌ترین بوده و به بزرگترین پهلوان تعلق داشته به سقف بازار پایتخت می‌آویخته‌اند و

جدول ۱: لوازم ورزش باستانی در کاشی نگاره (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹)

پوست تخت	میل	کبابه	تنکه پهلوانی	زنگ و زنجیر
				

نیزه: اگر که نیزه که را رسد به دست گرفتن؟ بگوی آن کس را که چون الف راست باشد و سنان غیرت بر سینه نفس هواپرست زده باشد و بیشتر مداحان کامل نیزه به دست گرفتندی اما در این دوره مسامحت کرده‌اند و مبتدی را نیز

معناشناسی لوازم جنگ

طی مطالعات صورت گرفته در فتوت‌نامه‌ها اشاراتی کامل به این آلات جنگی شده که ذکر آنها ضروری به نظر می‌رسد، فتوت‌نامه سلطانی در این بخش مورد مطالعه قرار گرفته است:

و در آن که آن حضرت کمان به دست گرفته‌اند هیچ تردیدی نیست. اگر پرسند که ستون کمان کدام است؟ بگوی دست چپ. اگر پرسند که کمان به چه تمام شود؟ بگوی به زه، که کامن بی‌زه ناقص باشد. اگر پرسند که روح کمان کدام است؟ بگوی زه بر کمان به جای روح است بر بدن. اگر پرسند که شکل کمان چیست؟ بگوی نیم دایره. اگر پرسند که نیم دایره اشارت به چیست؟ بگوی به مرتبه امکان که پیوسته فیض بدو می‌رسد و سر این سخن آن است که ممکن در وجود به واجب محتاج است. پس هر که کمان به دست گیرد باید که احتیاج خود را یاد کند و داند که به قدرت دیگر موجود شده در بندگی او تقصیر ننماید. اگر پرسند که زه اشارت به چیست؟ بگوی به خط فاصل که میان امکان و وجوب هست و در اینجا سری است که گفتن آن جایز نیست. اگر پرسند که حروف کمان چه معنی دارد؟ بگوی «ک» اشارت به کرم است یعنی صاحب آن قبضه باید کریم و جوانمرد باشد. «م» اشارت به مرحمت است یعنی بر زیردستان خود رحم نمادی. «الف» اشارت به اعتقاد است که باید نیک نیت و پاک عقیده باشد. «ن» اشارت به نصیحت است باید که تعلیم و پند را از همکاران مصاحبان بازنگیرد. هر که این چهار صفت ندارد حق این قبضه ندارد (همان: ۵۱۷).

گرز: این سلاح پهلوانان و سرآمدان میدان حرب است و اصل عمود و گرز از صالح پیغمبر (ع) مانده است. اگر پرسند که روی گرز کدام است؟ بگوی دفع ظلم و ستم. اگر پرسند که سر گرز کدام است؟ بگوی دشمنان دین را سر کوفته داشتن. اگر پرسند که قبه گرز کدام است؟ بگوی بر خصم ظفر یافتن و بدان سرفراز گشتن. اگر پرسند که دسته گرز اشارت به چیست؟ بگوی دست در راستی زدن و به درستی کار کردن. اگر پرسند که حروف گرز اشارت به چیست؟ بگوی «گ» او گذشتگی است و «ر» او رسیدگی و «ز» او زیرکی. یعنی هر که صاحب این قبضه است باید در مقام گذشتگی و جوانمردی باشد و دیگر باید که به مردی رسیده باشد و دلگیر در کار خود زیرک و با احتیاط باشد تا خصم بر وی دست نیابد (همان: ۵۱۴).

سپر: بدان که سپر حصار سپاهیان است و پناه مبارزان و حضرت مبارزان و حضرت رسول (ص) سپر حمایل کردند.

جایز داشته که به دست گیرد. اگر پرسند که حروف نیزه چه معنی دارد؟ بگوی نون نیزه اشارت بدان است که نور محبت از جبین او تابان باشد و یاء نیزه اشارت بدان است که یقین او کامل بود و سستی نوزد و زای نیزه عبارت از آن است که زیب و زینت دنیا بگذرد و های نیزه علامت آن است که هواداران مومنان و محبان کند (واعظ کاشفی، ۱۳۵۰: ۴۱۹).
تبر: اگر پرسند که تبر از که مانده؟ بگوی از ابراهیم پیغمبر (ع) در وقتی که بتان را می شکست و پاره پاره می ساخت؛ اگر پرسند که قبضه تبر از آن کیست؟ بگوی از آن کی است که بت نفس را به تبر تبرا ابراهیم وار شکسته باشد. اگر پرسند که حقیقت تبر چیست؟ بگوی شکستگی صورت و درستی معنی. اگر پرسند که حروف تبر چه معنی دارد؟ «ت» از تبرا است و «ب» از بردباری و «ر» از ریاضت. هر که این قبضه به دست گیرد باید که از غیر خدا تبرا کند و در این راه دین بردبار بود و نفس را ریاضت فرماید (همان: ۵۴۸).

شمشیر: تیغ آینه حرب است و حرمت بسیار دارد و پشت و پناه صاحب خود است و به مدد آن دفع دشمن توان کرد و به واسطه آن است که بزرگان را به تیغ نسبت کرده‌اند که ایشان پناه ملازمان خود اند و به سبب ایشان دشمن مغلوب می‌گردد؛ قبضه شمشیر بر همه قبضه‌ها مقدم است و حضرت رسالت (ص) پیوسته شمشیر حمایل کردی و ایشان را هفت شمشیر بود که روز حرب احد به امیرالمومنین دادند؛ و امیر آن را پیوسته با خود داشتی. اگر پرسند که روی تیغ کدام است؟ بگوی توجه نمودن به دفع دشمن خدای. اگر پرسند که حروف تیغ به چه معنی است؟ بگوی «ت» تمنای شهادت است، یعنی هر که قبضه تیغ به دست گرفت باید که همیشه در آرزوی آن باشد که شربت شهادت نوشد که درجه شهدا به غایت بلند است. «ی» یک دل و یک جهت بودن که هر که در کار خود متردد بود لایق قبضه نباشد بلکه در خور تیغ بود. «غ» غفلت ورزیدن و در مراسم حرب هشیار و با خبر بودن (همان: ۵۰۳).

کمان: کمان داری علم شریف است و در او قواعد و ارکان بسیار بیان کرده‌اند. اگر پرسند که کمان داری از که مانده؟ بگوی در این امت از سیدالشهداء حمزه که پیوسته تیر انداختی و گفته‌اند که حضرت رسالت (ص) تیر انداخته‌اند

«ر» او اشارت به رضا، یعنی صاحب این قبضه باید سخی و جوانمرد باشد که در وقت جنگ اگر کسی از وی زنهار خواهد او را زنهار دهد، و دیگر باید که پر دل و با جرأت باشد تا سستی نوزد. دیگر باید که راضی باشد به هر چه قضای الهی است تا اگر زخمی یا آفتی به وی رسد بدان سبب دلش از جای نرود و در کار خود فرو نماند(واعظ کاشفی، ۱۳۵۰: ۵۰۸).

اگر پرسند که شکل سپر و قبضه او به چه ماند؟ بگوی دایره. اگر پرسند که معنی دایره و مرکز چیست؟ بگوی معنی آن است که آن که سپر به دست گیرد باید در دایره مردی و مروت همچو مرکز پایدار باشد و چنان که سپر حمایت او می کند او نیز حمایت فقیران و درماندگان کند تا شایسته آن قبضه باشد. اگر پرسند که حروف سپر اشاره به چیست؟ بگوی «س» اشارت به سخاوت است و «پ» او اشارت به پر ذلی و

جدول ۲: لوازم جنگ در کاشی نگاره (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹)

تبر	سپر	کمان	شمشیر	نیزه	گرز
					

و کم کم به وسیله امواج به ساحل رانده می شود، آن را از آب گرفته از وسط می برند و دو کشکول از آن به دست می آورند. کشکول در حقیقت ظرف طعام و آب درویش است و هر گونه خوراکی یا نوشیدنی که مورد احتیاج درویش باشد در آن ریخته می شود(تناولی، ۱۳۶۸: ۸۵).

تبرزین: معمولاً فولادی است که روی آن ها به نقوش و اشعاری مزین شده و یا به کلی ساده است و منتشاء که برخی از درویش آن را به جای تبرزین حمل می کنند معمولاً از نوعی چوب است که دارای جوش های بزرگ و فراوان است(همان، ۸۷).

پوستین: پوست را درویش به هنگام نشستن و خفتن به زیر پا می افکنند و به هنگام رفتن بر دوش می کشند. پوست تخت درویش از پوست گوسفند یا آهو و گاه شیر و ببر و پلنگ است. درویشی که خود را پادشاه ملک و فقر و قناعت می داند طاقیه درویشی را تاج و این پوست را تخت خود می داند و به آن پوست «تخت» می گوید(همان، ۸۷).

چنته: کیسه ای است که بر دوش می آویزد و بقیه مایحتاج خود را در آن می گذارد. در چنته درویش معمولاً چیزی نوشته نمی شود، گریز آن ها از مال دنیا علت اصلی این فقر و قناعت است(همان: ۸۷).

معناشناسی اسباب آیینی درویش

این وسایل در زندگی روزمره درویش به کار برده می شود و در خانقاه و به هنگام برگزاری مراسم جنبه آئینی پیدا می کنند.

طاقیه: طاقیه دوازده ترک، نشانه ای است از درویش شیعه دوازده امامی، روی کلاه معمولاً ابیاتی خوش در وصف طریقت درویشی نوشته شده است(تناولی، ۱۳۶۸: ۸۵).

کشکول: نماد طبیعت پذیرا و مفعول انسان و «تبرزین» عامل طبیعت فعال انسان است. و مقصود از پوست دو چیز است. یکی جایی است که شخص می نشیند و به بحر تفکر فرو می رود. دوم همان جاست که به مقدار تملک خویش پی می برد. مالک بودن جایی به اندازه یک پوست و یا دارایی خویش را در یک چنته جا دادن خود مرحله ای است از فقر و قناعت.(Bakhtiar, 1976: 56) کشکول درویش معمولاً یا از جنس پوست میوه هندی است یا فولادی و برنجی. نوع دوم هم به شکل و مطابق کشکول نوع اول ساخته می شود. نوع اول کشکولی است که بیشتر در اقیانوس هند یافت می شود، و آن میوه درختی است به نام coco de mer (نارگیل دریایی) این نارگیل به آب می افتد و پس از ماندن در آب و فاسد شدن، داخل پوست سختش سیاه می شده

جدول ۳: اسباب آیینی درویش در کاشی نگاره (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹)

پوستین	چننه	تبرزین	کشکول	طاقیه
				

تجزیه و تحلیل:

در این کاشی نگاره اولین موردی که جلب توجه می‌کند، حضور درویشان در آن و وسایل و ابزاری متعلق به درویش در آن است، سایر عناصر به مرور و طی بررسی ریز بینانه قابل کشف هستند، که شامل عناصر مختلفی اعم از عناصر مرتبط با ورزش باستانی یا لوازم جنگ و لوازمی از یک حرفه و پیشه‌ای مانند کفش‌دوزی می‌باشد. در این پژوهش به دنبال کشف ارتباط بین این عناصر هستیم و در واقع به دنبال کشف نقطه تلاقی و اتصال این عناصر هستیم؛ اولین موردی که در این خصوص نیازمند بررسی است بحث حضور درویش در جامعه قاجار است یعنی مطالعه حضور تصوف در آن دوره و میزان علاقه و نحوه ارتباط مردم با تصوف و بررسی اوضاع اعتقادی عموم مردم در این امر راهگشا خواهد بود؛ سلسله عجم یکی از شاخه‌های نعمت الهی و زیر شاخه‌ای از خاکساری بودند و از سلسله‌های عوامانه تصوف محسوب می‌شود و درویش‌های منسوب به آنها را «سلطان فقر» خواندند؛ یعنی شاخه‌ای از تصوف که عموم مردم با آن احساس قرابت می‌کردند. منظور از عوامانه در این بحث این است که با توده مردم در ارتباط بوده و اکثریت جامعه با آن می‌توانسته ارتباط برقرار کند. اثبات این امر در دوره قاجار، مجالس قصه‌گویی است که درویش عجم متولی آن به شمار می‌آمدند، به شکل مجالس نقالی، سخنوری و روضه‌خوانی در فضاهای مختلفی اعم از قهوه‌خانه‌ها، میادین و سایر محافل فرهنگی و مذهبی برگزار می‌شد. به بیان دیگر روضه‌خوانی شکل دیگری از نقالی مذهبی بود. در دوره قاجار این هنر مختص درویش بود. به طوری که حتی پرده نقالی، پرده درویشی نیز خوانده می‌شد. در دوره قاجار، نقالی ارتباط بسیار نزدیکی با آیین‌های مذهبی شیعه از جمله عزاداری محرم داشت. بر اساس گزارش‌هایی که در سفرنامه‌های

سیاحان غربی و پژوهشگران ایرانی آمده، معرکه‌های زیادی در بخش‌های مختلف شهر، میادین و گذرگاه‌ها برگزار می‌شد و در آنها معرکه‌گیران قصه‌های مختلفی همچون واقعه کربلا، شجاعت و معجزات پیشوایان دین، مداحی و مرثیه‌خوانی می‌کردند (زارعی، حیدری باباکمال، ۱۳۹۵: ۵۹). درویشان عجم پس از طی مراحل طریقت خود، به خاکساری مشرف می‌شدند. اعتقادات و آداب عجم شبیه اعتقادات و آداب خاکساران بوده است و در واقع دسته‌ای از خاکساریه محسوب می‌شده‌اند. در رساله‌ای با عنوان «وسيله النجاه» که تماماً درباره اعتقادات و آداب و رسوم درویشان عجم است، اینطور ذکر شده که بیشتر درویشان عجم پیشه‌ور بوده‌اند و خود را هفده صنف یا اصلاًحاً هفده سلسله می‌دانسته‌اند. در این رساله هفده سلسله مذکور چنین نام برده شده‌اند: درویش، قاری قرآن، روضه خوان، مؤذن، چاووش، حمامی، سلمانی، کفشدوز، سراج، کهنه سوار، پهلوان، پهلوان، طباخ، نانوا، بقال، نعلبند، سقا، و قصاب. چنین به نظر می‌رسد که در ازمنه و شهرهای گوناگون در نزد دسته‌های گوناگون درویشان عجم، هفده سلسله متفاوت بوده است. (افشاری، ۱۳۸۲: ۲۳۱).

وقتی از تصوفی عوامانه صحبت می‌شود منظور این است که عموم مردم به آنها علاقه داشتند. ملاحسین واعظ کاشفی، نویسنده قرن نهم، در بخش‌هایی از فتوت‌نامه سلطانی - که کاملترین فتوت‌نامه فارسی است - آداب و رسوم سه گروه «معرکه‌گیران» و «پهلوانان» و «اهل بازی» را شرح داده است و این به پیوند آنان با آئین فتوت دلالت می‌کند. معرکه‌گیری در عهد صفوی رونق بسیار داشته است. معرکه‌گیران این عهد بیشتر قلندران حیدری بوده‌اند. در عهد قاجاریه نیز درویشان خاکسار و عجم - که دنباله روان حیدریه بوده‌اند - معرکه می‌گرفته‌اند (همان: ۶۵). بر اساس آنچه که در فتوت‌نامه

سلطانی آمده است، درویشان معرکه‌گیر به چهار گروه تقسیم می‌شده‌اند: مداحان، سقایان، داستان‌پردازان و بساط اندازان. مداحان گروهی بوده‌اند که با شعرخوانی و خطبه‌گویی، پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت وی را مدح می‌کرده و یا در رثای آنان نوحه می‌خوانده‌اند. ابزارهای مخصوص آنان نیزه، توق، شده، سفره، چراغ و تبرزین بوده است. نیزه را به هنگام سخنرانی و شعرخوانی در دست می‌گرفتند یا در زمین فرو می‌کردند و بر سر آن نم‌دی می‌بستند. درفش‌ی را که بدین گونه ساخته می‌شد، «توق» می‌گفتند، حیطة معرکه آنان تا جایی محسوب می‌شد که سایه توق مذکور امتداد پیدا می‌کرد و هیچ مداحی اجازه نداشت در محدوده مداح دیگر هنگامه بگسترد. «شده» نیز شالی بوده است که آنان به میان خود می‌بستند. «سفره‌ای» را در میدان معرکه خود می‌گستراندند و در وسط آن چراغی را می‌گذاشتند و آنگاه تبرزین به دست می‌گرفتند و مردم گرد آنان جمع شده و به سخنانشان گوش فرا می‌دادند (افشاری، ۱۳۸۲: ۶۷).

در دوره صفویه، دوده عجم نسبت به حیدری‌ها و خاکسارها، دست بالا را داشتند و سرپرستی هفده صنف پالان‌دوز، سنگ تراش، نجاران، سراج، خیاط، سلمانی، دباغ، پنبه‌دوز، کلاه‌دوز، حمامی، قهوه‌چی، عطار، صحاف، نقاش، سقا، بقال و خباز به عهده آن‌ها بود و این اصناف هر سال ده روز به عید نوروز مانده، مالیات کسب خود را به نقیب عجم می‌پرداختند تا تقدیم شاه شود. نام این اصناف، نشان از نفوذ این طریقه در دربار صفویه و پیروی پیشه‌وران و صاحبان مشاغل و حرف از آنها را دارد. هر صنف نشان مخصوصی هم داشت. در «سردم» و نفیر، مطراق (چوب کوچک گره‌دار)، سنگ قناعت، تسییح هزار دانه و پوست و نشان هر صنف نصب می‌شد. غیر از اینها، دوده عجم وسیله‌های دیگری از قبیل تاج کتیبه‌دار، گل تاج دوازده طرح، شهبازی (= دستار)، رشمه، جام، کفنی، کمند وحدت، صندلی (برای نشستن در مراسم معرکه گیری)، عصا، بساط (سفره چرمی)، فال‌نامه، قیزه (= لنگ)، جوزان‌دان و جول‌بندی (کیسه یا کیفی از چرم) هم داشتند (سیدین، ۱۳۸۹: ۱۵۳). بسیاری از رساله‌هایی که نویسندگان فهرست‌های نسخ خطی تحت عنوان فتوت‌نامه، فقرنامه یا رساله در آداب درویشی معرفی کرده‌اند، از نوشته‌های خاکساران عهد قاجار است. درویشان

خاکسار در واقع میراث‌داران اهل فتوتند و آیین آنان همان قلندران حیدری عهد صفوی است. خاکساران سید جلال الدین حیدر را موسس طریقه خود می‌دانند. قلندران حیدری معاصر با شاه سلیمان صفوی نیز پیشوای خود را «سلطان سید جلال الدین حیدر» می‌دانسته‌اند (افشاری، ۱۳۸۲: ۴۰).

خاکساران عهد قاجار که مردم آنان را درویشان گل مولا می‌نامیدند، با نقل قصه در معابر، یا دعانویسی یا روضه‌خوانی در تکیه‌ها و مساجد از مردم پول می‌گرفتند و شبهای جمعه به پرسه / پارسه می‌رفتند. به این ترتیب که کشکول به دست در کوچه‌ها و بازارها راه می‌رفتند و در منقبت علی علیه السلام با صدای رسا شعر می‌خواندند و رهگذاران و کسبه به دلخواه خود خوراکی یا پول در کشکولشان می‌گذاشتند. آنان نیز آنچه را از پرسه به دست می‌آوردند به پیران خود تقدیم می‌کردند (حداد عادل، ۱۳۸۹: ۶۶۹). در برخی مواقع نیز در گوشه مسجد یا حرم امامزاده‌ای معتکف می‌شدند و سحرگاهان و شامگاهان مدایح حضرت علی (ع) و آل او را می‌خواندند، به این رسم «طلب نشستن» می‌گفتند. در اواخر هر سال نیز چون آمدن نوروز نزدیک می‌شد، بر در خانه اعیان و اشراف چادر می‌زدند و چند روزی را در آن چادر به سر می‌بردن، شعر می‌خواندند و دعا می‌کردند. صاحب خانه هم پس از چند روزی که درویش را بر در خانه خود نگه می‌داشت، خواسته او را برآورده می‌کرد. رساله‌های خاکساریه مشحون از اسطوره‌ها و افسانه‌هایی که پیدایی جامه‌ها و ابزارهای خاص آنان را گزارش می‌کند و به آنها رنگ قداست می‌بخشد. اسطوره‌های مذکور در برخی از رساله‌ها عناوینی چون: «اثبات»، «ثبوت»، «نطقی» و «ترجمان» دارد. جامه‌ها و ابزارهای خاکساران که در رساله‌هایشان ذکر شده است، بیشتر عبارت است از: خرقة، تاج، کفنی، رشته، تخته پوست، پالهنک، مرس، شتخ نفیر، عصا، کشکول، دوده، تیغ (استره) و سنگ قناعت. رساله‌های خاکساریه جنگی از مطالب منثور و منظوم درباره آداب، از جمله گلبانگ بستن و دیگرجوش دادن، و مراحل سلوک آنان و نیز جامه‌ها و ابزارهای خاص آنان است، نظیر خرقة، تاج (کلاه نم‌دی درویشان)، کشکول، رشته (میان‌بند خاص خاکساران)، کفنی (پیراهن سفید و بلند آنان)، تخته پوست، عصا و سنگ قناعت (سنگی که بر شکم می‌بستند) (افشاری، ۱۳۸۲: ۴۵).

در دوره صفویه، دوده عجم نسبت به حیدری‌ها و خاکسارها، دست بالا را داشتند و سرپرستی هفده صنف پالان‌دوز، سنگ تراش، نجاران، سراج، خیاط، سلمانی، دباغ، پنبه‌دوز، کلاه‌دوز، حمامی، قهوه‌چی، عطار، صحاف، نقاش، سقا، بقال و خباز به عهده آن‌ها بود و این اصناف هر سال ده روز به عید نوروز مانده، مالیات کسب خود را به نقیب عجم می‌پرداختند تا تقدیم شاه شود. نام این اصناف، نشان از نفوذ این طریقه در دربار صفویه و پیروی پیشه‌وران و صاحبان مشاغل و حرف از آنها را دارد. هر صنف نشان مخصوصی هم داشت. در «سردم» و نفیر، مطراق (چوب کوچک گره‌دار)، سنگ قناعت، تسییح هزار دانه و پوست و نشان هر صنف نصب می‌شد. غیر از اینها، دوده عجم وسیله‌های دیگری از قبیل تاج کتیبه‌دار، گل تاج دوازده طرح، شهبازی (= دستار)، رشمه، جام، کفنی، کمند وحدت، صندلی (برای نشستن در مراسم معرکه گیری)، عصا، بساط (سفره چرمی)، فال‌نامه، قیزه (= لنگ)، جوزان‌دان و جول‌بندی (کیسه یا کیفی از چرم) هم داشتند (سیدین، ۱۳۸۹: ۱۵۳). بسیاری از رساله‌هایی که نویسندگان فهرست‌های نسخ خطی تحت عنوان فتوت‌نامه، فقرنامه یا رساله در آداب درویشی معرفی کرده‌اند، از نوشته‌های خاکساران عهد قاجار است. درویشان

را به کمر می‌بندد و قدیفه سفید را به دوش و عرق‌چین بر سر و شهبازی بر گردن و سر شهبازی به دست پیر دلیل و طالب شروع به خواندن «حمد» می‌کند (سیدین، ۱۳۸۹: ۱۵۸). در میان وسایلی که در نگاره آمده است جالب توجه است که دسته‌ای از ابزار مربوط به وسایل چرم و یا به عبارتی مرتبط با کفش‌دوزی است، این ابزار آلات عبارتند از:

گاز کارکش: ابزاری شبیه انبر که با آن لبه چرم را گرفته و بر روی قالب می‌کشند (عسکری و دیگران، ۱۳۸۸: ۸۸).

چاقوی لیویس: لبه‌های چرم را با این چاقو که تیغه‌ای صاف و پهن دارد و سر آن به تیزی تیغ بود می‌تراشیدند تا نازک شود (همان: ۹۲).

مشته: ابزاری شبیه گوشت کوب فلزی با دسته‌ای کوتاه است که با آن بر روی چرم چسب خورده می‌کوبند تا خوب بچسبد (همان: ۹۳).

مغار: قبل از دوخت زیره، نوار باریکی از چرم به نام مغزی (moqzi)، به وسیله ابزاری به نام مغار (moqar) تراشیده و آن را دور تا دور لبه زیر قالب به کفی می‌دوزند تا استحکام و دوام کفش را در ناحیه زیره تضمین کند.

سرب گا (sorobga): نوک تیز و خمیده‌ای دارد، دور کف زیره شیری باز می‌کند.







قالب دستی یا قلاب پای: ابزاری که به وسیله آن قالب را با زور از داخل کفش بیرون می‌کشند (همان: ۹۴).

سوزن تو دوزی و درفش: ابزاری به شکل میله‌ای با نوک صاف و تیز است که زیره را به کفش می‌دوزند.

مصقل (masqal): ابزاری که کف زیره را با آن صیقل داده و صاف و براق می‌کند (همان: ۹۵).

در آیین تشریف به دوده عجم، سالک این راه باید پیرو شریعت محمدی (ص) و به مذهب امام جعفر صادق (ع) باشد و به واجبات شریعت عمل نماید. مرحله اول سلوک، «لسان» است و آن قولی است که سالک با حضور پیر دلیل، پیر نظر و پیر ارشاد به پیر حقیقت «مرشد» می‌دهد که از وی پیروی کند و این پیمان را «لسان» گویند. سپس مرید مرخص می‌شود تا لوازم تشریف را آماده نماید. یک عدد پوست بز پهن کرده، روی آن «مجموعه» گذارده و به ترتیب یک لنگ چهار گوشه تا کرده میان مجموعه (=مجمعه) و یک «شهبازی چهارعلی»، «دستار» روی لنگ و یک عدد جام روی چهارعلی قرار می‌دهند. طالب دو رکعت نماز می‌خواند. پیر دلیل بیست و پنج شمع روشن به دست می‌گیرد و طالب اذن دخول می‌طلبد و پس از اذن اشعاری مبنی بر اتصال این ابزارها و جامه‌ها به امامان یا اولیا می‌خواند و این عمل را «اثبات شمع» گویند. سپس جهت «اثبات جام» جام را بر می‌دارد و به دست پیر دلیل می‌دهد. آن گاه نوبت «اثبات چهار علی» می‌رسد و آن را بر دوش می‌اندازد. پس از آن نوبت «اثبات لنگ» است و لنگ را بر می‌دارد و به دوش چپ می‌اندازد. بعد «اثبات پوست» است و آن را بر می‌دارد و جلوی در می‌اندازد و از مجلس بیرون می‌رود. بعد از خروج وی، دو عدد قدیفه سفید میان مجلس می‌اندازند و یک عدد رحل قرآن رو به رو نقیب می‌گذارند و از پایین رحل «مجلای اختیاری» را قرار می‌دهند. مجلای اختیاری در حقیقت اجازه‌نامه سالک است. پایین مجلا، سنگ قناعت و پایین آن «رشمه کتیبه» (شال با نقش و نگار) و به همین ترتیب «کتاب صورت، کتاب شهبازی، عصای تعلیمی، کشکول، احرامی، سفره طعام، تبرزین قنبری و تاج کتیبه‌دار» هر یک را پایین‌تر از دیگری قرار می‌دهند. طالب برهنه می‌شود و نباید پوشیدنی گره‌دار داشته باشد. لنگ






جدول ۴: وسایل چرم (کفش‌دوزی) در کاشی نگاره (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹)

مغار	قالب	قالب کفش	مشته	چاقوی لیویس	گاز کارکش (انبر)
					

علاوه بر نمادهایی که در جدول ۳ ذکر شد و مورد دسته‌بندی قرار گرفت و وسایل چرم (کفش‌دوزی)، طی مطالعات صورت گرفته در این نگاره لوازم و وسایلی وجود دارند که از لحاظ شکل آنها و تکرار استفاده از این اشکال بسیار قابل توجه و تأمل می‌باشند؛ از جمله این نقوش به عنوان مثال اره، تسبیحی که به دیوار آویزان است، شمع، جام، پوستین جانوران مختلف، کشکول، تبرزین، نفیر.

یکی از مهم‌ترین سوالاتی که در روند این پژوهش مطرح شد، این بود که چرا وسایل و لوازم چرم (کفش‌دوزی) در کنار سه دسته از لوازم ورزش باستانی، ابزار جنگ و لوازم دروایش آمده است؟ این سه دسته از لحاظ معناشناسی مورد بررسی قرار گرفت و اینکه هر کدام نمادی از چه چیز می‌باشند مورد مطالعه قرار گرفت. سایر نمادهایی که در متن نگاره وجود دارند:

جدول ۵: سایر وسایل و لوازم در کاشی نگاره (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹)

اره	تسبیح آویزان به دیوار	نفیر	جام	شمع و شمعدان	پوستین جانوران مختلف
					

به فرقه عجم و در کنار سایر لوازم و وسایل مربوط به این فرقه و در کنار سایر لوازم جنگاوری و ورزش باستانی و صنف دباغان آمده است. توجه به درویشان و به ویژه فرقه عجم که از دوره صفویه مشهور و مورد توجه توده مردم بوده و صحنه‌ای از دروایش فرقه عجم و ابزار و وسایلی مختص آنها و در کنار آن ابزاری متعلق به حرفه کفش‌دوزی که یکی از پیشه‌های مورد توجه عجم بوده، در خلق این نگاره موثر بوده است. دوده عجم را به «شاه نعمت الله» منسوب می‌دارند؛ این طریقت در دربار و پیروی پیشه‌وران و صاحبان مشاغل و حرف از آنها نفوذ فراوان دارد. در این نگاره صنفی که به آن اشاره شده است صنف کفش‌دوزان است که در کنار سایر وسائل نمادین از لوازم مربوط به این صنف، در محل اجتماع دوده عجم که مزین بود به کشکول، تبرزین، اره، نهنگ، نفیر، تسبیح هزار دانه و پوست نصب شده است. بر اساس رساله «وسیله النجاه» یکی از هفده اصناف عجم، پیشه کفش‌دوزی است، که نشان می‌دهد این پیشه یکی از حرفه‌های مورد توجه عجم بوده است؛ هر چند این هفده صنف یا اصطلاحاً هفده سلسله در زمان‌ها و مکان‌های مختلف تغییراتی داشته است، ولی نگاره مذکور بر اساس عناصر و نمادهایی که در آن وجود دارد و مربوط به پیشه کفش‌دوزی است، نشانگر این امر است که جزو اصناف مورد توجه عجم بوده است. در آئین تشریف به دوده عجم، همانطور که گفته شد، لوازم

نتیجه‌گیری

در این پژوهش ابتدا عناصر موجود در نگاره مورد بررسی قرار گرفته و از لحاظ معناشناسی مطالعه شده و سپس رابطه بین عناصر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. رابطه موجود بین عناصر نگاره، روند تصویرسازی آن را توضیح و تفسیر می‌کند و پاسخ به چرایی خلق این نگاره است؛ رواج کشتی‌گیری و آموزش آیین جنگاوری در ورزش‌های جنگی و باستانی بود که ضمن آن با تمرین به وسیله آلات بدلی یعنی میل به جای گرز و تخته سنگ به جای سپر و کباده به جای کمان به تربیت بدنی و ریاضت‌های جنگی پرداختند. جوانمردی از قدیم با تصوف آمیخته شده بود. از آنجا که بنای زورخانه‌ها شباهت زیادی به تکایا و خوانق متصوفه دارد که این شباهت از نظر مسلکی مربوط به تصوف و در مرحله بالاتر پیروان مکتب فتوت (جوانمردان) عیار می‌تواند باشد. در داخل زورخانه، وسط محوطه آن، گود دایره‌وار هشت گوشه‌یی با ژرفا و درازایی جا دارد. دور زورخانه‌های قدیم مثل تکیه‌ها، غرفه‌هایی برای نشستن تماشاکنندگان و مهمانان و گذاشتن ابزار و وسایل ورزشی و کندن لباس داشت، در این نگاره فضایی که به تصویر کشیده شده است، بر اساس این توصیفات، زورخانه است. صحنه‌ای که در این نگاره به تصویر کشیده شده است، مربوط

انتخاب برخی از مضامین کتیبه‌های مسجد کبود»، فصلنامه علمی جلوه هنر، سال ۱۲، شماره ۴، ص ۷۳-۶۰.

- شمیم، علی‌اصغر (۱۳۷۹)، *ایران در دوره سلطنت قاجار؛ قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم*، تهران: زریاب.

- عسکری خانقاه، اصغر؛ آفاجانی، علیرضا و میرزایی، فاطمه (۱۳۸۸)، «بررسی فرهنگ کفش و کفافی در شهر تهران»، *فصلنامه فرهنگ مردم ایران*، شماره ۱۶، ص ۸۱-۱۰۲.

- علاقه، فاطمه (۱۳۷۷)، «مروری بر فتیان و فتوت‌نامه‌ها»، *مجله فرهنگ*، شماره ۲۶ و ۲۵، ص ۳۱۷-۲۹۵.

- فرهادی، مرتضی (۱۳۹۰)، «کار در فتوت‌نامه‌ها (مرام‌نامه‌های صنفی- طریقتی، خودانگیخته و خودپذیرفته پیشه‌وران ایرانی)»، *فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره ۸، ص ۳۶-۱.

- کرین، هانری (۱۳۸۲)، *آیین جوانمردی*، ترجمه احسان نراقی، تهران: سخن.

- گوشه، حسن (۱۳۲۵)، «ورزش باستانی در ایران»، *نشریه پیام نو*، سال ۳، شماره ۶، ص ۵۵-۴۷.

- لمبتن، آن (۱۳۹۲)، *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران*، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: نی.

- محجوب، محمدجعفر (۱۳۵۰)، *مقدمه بر فتوت‌نامه سلطانی*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

- مهدی‌زاده، علیرضا (۱۳۹۸)، «تبیین شاخصه‌های اصلی شکلی و محتوایی نگاره‌های شیعی بر اساس مبانی اعتقادی شیعه»، *فصلنامه علمی جلوه هنر*، سال ۱۱، شماره ۲، ص ۱۰۴-۹۳.

- واعظ کاشفی سبزواری، مولانا حسین (۱۳۵۰)، *فتوت‌نامه سلطانی؛ به اهتمام محمدجعفر محجوب*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

- هدایتی راد، فاطمه (۱۳۹۵)، «مطالعه تحلیلی تصویر انسان در کاشیکاری تکیه معاون‌الملک کرمانشاه»، *فصلنامه هنر علم و فرهنگ*، دوره ۴، شماره ۱، ص ۱۵-۱.

- Bakhtiar, I. (1976). *Sufi: Expressions of Mystic Quest*. Thames and Hudson.

تشریف استفاده می‌شود از جمله این لوازم، شمع، نفیر، تسبیح، جام، پوست، شال، عصای تعلیمی، کشکول، تبرزین و... است که در این کاشی نگاره نیز به این عناصر پرداخته شده و در جای جای آن این عناصر وجود دارد که در واقع نشانگر صحنه‌ای از گرویدن به سلسله عجم است.

منابع

- افشاری، مهران (۱۳۸۲)، *فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- انصافپور، غلامرضا (۱۳۵۳)، *تاریخ و فرهنگ زورخانه و گروه‌های اجتماعی زورخانه‌رو*، تهران: مرکز مردم شناسی ایران.

- ایرج‌پور، محمد ابراهیم (۱۳۹۰)، «بازنگری در عرفان قاجار»، *نشریه ادب و زبان*، شماره ۲۹، ص ۴۱-۲۳.

- پرویزی، اکبر (۱۳۸۴)، «نگاره‌های تکیه معاون‌الملک کرمانشاه»، *فصلنامه تحلیلی- پژوهشی نگره*، شماره ۱، ص ۸۵-۷۱.

- پنجه‌باشی، الهه؛ فرهد، فریا (۱۳۹۴)، «مطالعه نقوش مذهبی در کاشی‌های تکیه معاون‌الملک»، *فصلنامه علمی نگارینه هنر اسلامی*، شماره هفتم و هشتم، ص ۲۹-۱۰.

- تناولی، پرویز (۱۳۶۸)، *قالیچه‌های تصویری ایران*، تهران: سروش.

- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۸۹)، *دانشنامه جهان اسلام*، جلد چهاردهم، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.

- زارعی، محمدابراهیم؛ حیدری باباکمال، یدالله (۱۳۹۵)، «تأملی بر تنوع مضامین هنری و منشأ کاشی‌های قاجاری تکیه معاون‌الملک کرمانشاه»، *نشریه هنرهای زیبا*، دوره ۲۱، شماره ۴، ص ۶۴-۵۳.

- سیدین، علی (۱۳۸۹)، *پشمینه‌پوشان: فرهنگ سلسله‌های صوفیه*، تهران: نی.

- سیف، هادی (۱۳۷۶)، *نقاشی روی کاشی*، تهران: سروش.

- شهبازی، سیاوش، شهبازی، سروش (۱۳۸۶)، «تکیه معاون‌الملک، جلوه‌گاه هنر مذهبی و حماسی و چهره‌های تاریخی ایران»، *کتاب ماه هنر*، شماره ۱۰۳ و ۱۰۴، ص ۵۱-۴۶.

- شهبازی شیران، حبیب؛ حسینی‌نیا، سید مهدی و حسینی صدر، علیرضا (۱۳۹۹)، «تأثیر اندیشه‌های فرقه حروفیه بر

A Reflection on the Multidimensional Functions of the Image of “Majles Darvishan”

Mehdi Mohammadzadeh¹, Laleh Ahani²

1- Professor, Faculty of Islamic arts, Tabriz Islamic Art University, Tabriz (Corresponding author)

2- PhD candidate, Faculty of Islamic arts, Tabriz Islamic Art University, Tabriz

DOI: 10.22077/NIA.2021.4446.1485

Abstract

Tekyeh Moaven al-molk is a historic Tekyeh located in Kermanshah city of Iran. It was built during Qajar era as a Shia mourning space. It was registered as National monument of Iran in 1975. It is well known for its exclusive tiling, picturing Islamic era events as well as Iranian kings. In this research, one of the tiles of the mentioned architectural heritage entitled “Majles Dervishan” related to the 14th century AH, has been studied. This tile depicts a scene related to Dervishes and their symbolic tools, ancient sports equipment and shoemaking tools in a space similar to a Zurkhaneh. Thus, apparently not so related elements are gathered in this picture. The purpose of this study is to interpret the semantics of drawn elements, discover their relationship and the reasons for performing this painting. The research method is descriptive- analytical and the date is collected through library studies. The results of this research show that the profession of shoemaking is one of the guilds considered by Ajam sect. The ritual of chivalry has long been associated with Sufism, meaning that the behavior of ancient athletes has always been based on the principles of the Fotovat customs. For this reason, the painting of Majles Dervishan is depicted the Zurkhaneh space, which is very similar to the Sufi prayers and is related to Sufism.

Key words: Majles Darvishan, Tekyeh Moaven-ol Molk, Qajar era.

1 - Email: m.mohammadzadeh@tabriziau.ac.ir

2 - Email: l.ahani@tabriziau.ac.ir